

زمینه‌های تاریخی حادثه غدیر

هنگام ظهر فرا رسیده بود و هوا به شدت گرم بود، به طوری که مردم قسمتی از عبای خود را بر سر و قسمتی دیگر را به زیر پا افکندند.



هنگام ظهر فرا رسیده بود و هوا به شدت گرم بود، به طوری که مردم قسمتی از عبای خود را بر سر و قسمتی دیگر را به زیر پا افکندند. وقت نماز فرا رسید و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنان اطلاع داد که همه باید برای شنیدن پیام تازه‌ای آماده شوند. با حلول ماه ذی القعدة سال دهم هجری، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم خود را جهت زیارت خانه خدا و ادای فریضه حج با مسلمانان در میان نهاد. این خبر به سرعت در شهر مدینه و اطراف آن منتشر گردید و علاوه بر آن به گوش مسلمانان دیگر که در نقاط مختلف عربستان زندگی می‌کردند رسید، به طوری که در اندک زمان هزاران نفر برای برگزاری فریضه حج در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حاضر شدند.

در بیست و پنجم ذی القعدة کاروان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با شمار زیادی از مسلمانان که مورخان تعداد آنها را تا صد هزار نفر و یا اندکی بیشتر ذکر کرده‌اند، از مدینه به قصد مکه خارج گردید. این عده غیر از کسانی بودند که از نقاط دیگر عربستان از جمله ساکنان مکه و آبادیهای اطراف آن به حج گزاران ملحق شدند.

شیخ مفید در کتاب الارشاد آورده است:

پس از برخورد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با مسیحیان نجران و جریان مباحله، حجة الوداع به وقوع پیوست. اندکی قبل از این پیشامد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را به یمن فرستاد تا خمس گنجینه‌ها و معادن را از اهالی آنجا بگیرد و آنچه را که مسیحیان نجران از حله و پولم تعهد شده بودند، دریافت کند. حضرت علی علیه السلام به محل مأموریت خود عزیمت کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به کس دیگر غیر از علی علیه السلام در این کار اعتماد نکرد و در میان مردم هیچکس را شایسته این کار ندید. حضرتش علی علیه السلام را به عنوان نایب خود به این سفر گسیل داشت، زیرا درباره انجام مأموریتی که بر عهده‌اش گذاشته بود، آسوده خاطر بود.

در همین ایام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آهنگ حج نمود و پس از آنکه جمعیت زیادی از مدینه و اطراف آن با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همراه شدند، آن حضرت در بیست و پنجم ذی القعدة از مدینه خارج گردید. همزمان با آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نامه‌ای به علی علیه السلام که در یمن به سر می‌برد ارسال کرد و در آن به آن حضرت سفارش کرد که از یمن به مکه آید، اما در مورد نوع حج خود و چگونگی نیت آن مطلبی برای علی علیه السلام ننوشت.

به هر حال، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جمع مسلمانان به سوی مکه به راه افتاد و حضرت علی علیه السلام نیز با سپاهی که همراهش بودند، از یمن به سمت مکه حرکت نمود. حضرتش با نزدیک شدن به مکه، سپاه را به شخصی سپرد و خود جهت دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سرعت روانه گشت به طوری که موفق شد قبل از ورود به مکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را ملاقات کند و درباره سفر خود و حله‌ها و هدایایی که آورده بود گزارشی تقدیم نماید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ضمن اظهار خرسندی از دیدار علی علیه السلام از او سؤال کرد که: ای علی، به چه نیتی احرام بستنی؟ علی علیه السلام در پاسخ گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شما برای من نوشته بودی که خود به چه نیتی احرام خواهی بست، من به نیت شما آگاه نبودم، از این رو به هنگام احرام و تلبیه نیتم را به نیت شما پیوند زدم و گفتم: بار خدایا، من به همان نیتی احرام می‌بندم که رسول تو بسته است و سی و چهار شتر نیز برای قربانی با خود آورده‌ام. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: الله اکبر! من شصت و شش شتر برای قربانی آورده‌ام. تو در حج و مناسک و انجام قربانی با من شریک هستی. اکنون بر احرام خود باش و به سوی لشکر باز گرد و آنان را سریعاً بیاور تا در مکه به هم ملحق گردیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جهت انجام مناسک حج چند روزی در مکه به سر برد. آن حضرت در روز عرفه و به روایتی در روز عید-خطبه‌ای در جمع مسلمانان ایراد فرمود که در آن همگان را به رعایت تقوای الهی، تعهد به ارزشهای اخلاقی و مراعات حقوق یکدیگر سفارش نمود. (1) پس از آن رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم گرفت که مکه را به قصد مدینه ترک گوید. فرمان حرکت صادر گردید و بار دیگر خیل عظیم مردم به همراهی پیامبر خود مکه را به قصد مدینه پشت سر گذاشتند. هنگامی که این کاروان عظیم به نزدیک جحفه رسید، امین وحی الهی در نقطه‌ای به نام غدیر خم فرود آمد و این آیه را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرد که:

يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله يعصمك من الناس ان الله لا يهدي القوم الكافرين. (2)

یعنی: ای پیامبر! آنچه را از سوی پروردگارت نازل شده است، به مردم برسان. و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام ندهای. و خداوند تو را از (خطرهای احتمالی) مردم حفظ می‌کند. و خداوند جمعیت کافران را هدایت نخواهد کرد.

با نزول این آیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد که کاروان از حرکت باز ماند و با این فرمان، مسلمانان کسانی را که در پیشاپیش قافله در حرکت بودند، به بازگشت دعوت کردند و کسانی که در عقب بودند نیز به تدریج، به دیگران پیوستند.

هنگام ظهر فرا رسیده بود و هوا به شدت گرم بود، به طوری که مردم قسمتی از عبای خود را بر سر و قسمتی دیگر را به زیر پا افکندند. وقت نماز فرا رسید و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنان اطلاع داد که همه باید برای شنیدن پیام تازه‌ای آماده شوند. در اینجا مسلمانان منبری از جهاز شتران ترتیب دادند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر بالای آن قرار گرفت و خطبه تاریخی خود را به شرحی که خواهد آمد، ایراد فرمود. (3)

خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم:

علامه امینی در کتاب «الغدیر» با استفاده از مدارک معتبر، خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در غدیر خم چنین گزارش کرده است:

حمد و ثنا مخصوص خداست. از او یاری می‌طلبیم. و به او ایمان داریم. و بر او توکل می‌کنیم. و از بدیها و اعمال ناروای خود به او پناه می‌بریم. گمراهان را جز او راهنمایی نیست. و هر کس را که هدایت کرد، گمراه کننده‌ای برای او نخواهد بود. گواهی می‌دهم که معبودی جز او نیست و محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و پیامبر اوست.

هان ای مردم! ندیدک است که دعوت حق را لبیک گویم و از میان شما بروم. من مسئولم و شما نیز مسئولید. اینک اندیشه و گفتار شما درباره من چیست؟

در این هنگام مردم گفتند: گواهی می‌دهیم که تو رسالت خود را انجام دادی و برای ما کوشش نمودی. خداوند تو را پاداش نیک دهد...

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از اندکی فرمود: همانا من در انتقال به سرای دیگر بر شما سبقت خواهم گرفت، اما دو چیز گرانبه در میان شما می‌گذارم. بیندیشید که با این دو چیز چگونه رفتار می‌نمایید.

در اینجا یک نفر از میان جمعیت گفت: یا رسول الله، منظور از آن دو چیز گرانبه و ارجمند چیست؟

رسول اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یکی کتاب خدا که بزرگتر است و وسیله ارتباط شما با خداوند است. و آن دیگر که کوچکتر است، عترت و اهل بیت من است. و خداوند به من خبر داده است که این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند. هان ای مردم! از آن دو پیشی نگیرید و از پیروی از هر دو کوتاهی نکنید که هلاک خواهید شد.

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست علی علیه السلام را گرفت و بالا برد به طوری که زیر بغل هر دو نمایان گردید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسلمانان را به این صورت مورد خطاب قرار داد که:

«#171؛ ایها الناس! من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم؟» یعنی: ای مردم چه کسی از مردم به مؤمنان از خود آنها سزاوارتر است؟ گفتند: خدا و رسولش دانترند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا خداوند مولای من و من مولای مؤمنان هستم و من بر آنان از خودشان سزاوارترم. سپس فرمود:

«#171؛ من كنت مولاة فهذا علی مولاة، اللهم و آل من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله...»

یعنی: هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست.

خداوند، دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار. محبوب بدار آن کس را که او را محبوب دارد و مبغوض دار آن کس که او را مبغوض دارد. یارانش را یاری کن و واگذارندگان او را واگذار. و او را معیار و میزان حق قرار ده.

سپس فرمود:

«#171؛ الا فلیبلغ الشاهد الغائب.»

یعنی: آگاه باشید، حاضران بایستی این امر را به غایبان برسانند.

هنوز جمعیت پراکنده نشده بودند که بار دیگر جبرئیل نازل گشت و این آیه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرود آورد که:

اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام دينا.

یعنی: امروز آیین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین شما برایتان پسندیدم.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با نزول این آیه فرمود: الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی خدا به رسالت من و ولایت علی بعد از من.

در این هنگام مردم نزدیک شدند و به علی علیه السلام به جهت این مقام و منزلت تهنیت گفتند. و از جمله کسانی که قبل از دیگران به علی علیه السلام تبریک گفتند ابوبکر و عمر بودند که گفتند: به تو باد ای پسر ابو طالب که مولای ما و مولای هر مرد و زن مؤمن گشتی!

سپس حسان بن ثابت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اجازه خواست که در این باره شعری بگوید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او اجازه فرمود و او اشعاری سرود که ترجمه قسمتی از آن به شرح زیر است:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنان در روز غدیر ندا داد. و چه سزاست ندای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را شنیدن.

فرمود: مولای شما و پیامبر شما چه کسی است؟ و آنها بدون چشم پوشی و اغماض گفتند که:

خدای تو مولای ماست و تو پیامبر مایی. و ما از پذیرش ولایت تو سرپیچی نخواهیم کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی گفت: برخیز، زیرا من تو را بعد از خودم امام و رهبر انتخاب کرده‌ام.

و سپس فرمود: هر کس من مولا و رهبر اویم، این مرد مولا و رهبر اوست، شما هم از سر صدق و راستی از او پیروی کنید.

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: بار خدایا، دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار...

پس از آنکه حسان بن ثابت شعر خود را سرود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جمله معروف خود را درباره حسان به زبان آورد که: «#171 تا وقتی که با زبان خود ما را یاری می‌کنی روح القدس موید تو است». (4)

پس از پایان مراسم تعیین جانشین در سرزمین غدیر خم، مسلمانان برخاستند و هر گروه و دسته‌ای به جانب مقصدی روانه گشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عده زیادی که از مدینه به همراه آن حضرت آمده بودند نیز راه مدینه را در پیش گرفتند به طوری که هنوز سال دهم به پایان نرسیده بود وارد مدینه شدند. و چندی بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به بستر بیماری افتاد که به رحلت آن سرور انجامید، در صورتی که اندکی قبل از آن تکلیف جانشین و رهبری پس از خود را تعیین کرده بود.

پی‌نوشتها:

(1) جهت اطلاع از این خطبه بنگرید به السیره النبویه معروف به سیره ابن هشام 4 / 250

(2) سوره مائده 67

(3) ارشاد شیخ مفید 158/1 - 165 با اندکی تلخیص و نیز بنگرید به اعلام الوری 1 / 259 - 263 سیره المصطفی / 693 مبحث غدیر خم.

(4) برای اطلاع بیشتر از خطبه رسول خدا (ص) در روز غدیر و تفصیل ماجرا بنگرید به الغدیر 1 / 31 - 34 با ترجمه فارسی سیره المصطفی / 693 نقل از منابع مختلف اهل سنت ارشاد شیخ مفید 1 / 165، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام / 512 - 518 منبع: کتاب غدیر در آئینه قرآن و روایات - دکتر مجید عارف